

## Educational Measures and Measures to Prevent the Promotion of Homosexuality

### ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

**Authors**

Seyedeh Zahra Jafari Maleki<sup>1\*</sup>  
Seyed Mahdi Salehi<sup>2</sup>

**How to cite this article**

Seyedeh Zahra Jafari Maleki,  
Seyed Mahdi Salehi,  
Educational Measures and  
Measures to Prevent the  
Promotion of Homosexuality,  
*Journal of Islamic Life Style  
Centered on Health.*  
2023;6(4):583-592.

1. MA, Department of Jurisprudence and Criminal Law, Urmia University, Urmia, Iran (Corresponding Author).
2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Criminal Law, Urmia University, Urmia, Iran.

**\* Correspondence:**

Address:

Phone:

Email: zahragafari66@yahoo.com

**Article History**

Received: 2022/10/25

Accepted: 2023/01/10

### ABSTRACT

Carefully in the field of global cultural development, it can be understood that the western systems, especially the American system, relying on Jewish financial and human and propaganda capitals, are strongly and with a strange insistence trying to spread and promote homosexuality among their own people and other nations. Supporting and promoting different fronts of homosexuality is an important and purposeful cultural strategy and shows the existence of a long-term and precise plan for the West and Zionism; Homosexuality is a corruption that socially leads to the collapse of the family unit, the extinction of the generation and the corruption of the society; The goal of the satanic system is to promote homosexuality, to change the nature of man and his tendencies, to destroy the family, to create a deformed being devoid of the spirit of questioning, to subjugate man and tame him against any demands of the ruling political and cultural system and system. Dominion is global. The country of Iran is also not safe from the damage of this promotion and studies show that sooner or later it will affect the youth and especially the governance system of the society. In this article, programs and educational measures and measures to prevent the promotion of homosexuality have been considered.

**Keywords:** Homosexuality, Education, Upbringing, Family

## اقدامات و تدابیر آموزشی - تربیتی در پیشگیری از ترویج همجنس گرایی

سیده زهرا جعفری ملکی<sup>۱\*</sup>

کارشناسی ارشد، گروه فقه و حقوق جزا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

سید مهدی صالحی<sup>۲</sup>

دانشیار، گروه فقه و حقوق جزا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

### چکیده

با دقت در عرصه فرهنگ سازی جهانی می توان فهمید که نظام های غربی به خصوص نظام آمریکا با تکیه بر سرمایه های مالی و انسانی و تبلیغاتی یهود به شدت و با اصرار عجیبی سعی در گسترش و تبلیغ همجنس بازی در میان مردم خود و دیگر ملت ها دارند. حمایت و ترویج جبهه های مختلف همجنس بازی یک استراتژی فرهنگی مهم و هدف دار و نشان دهنده وجود برنامه ای دراز مدت و بسیار دقیق برای غرب و صهیونیسم است؛ همجنس بازی مفسده ای است که از لحاظ اجتماعی به فروپاشی کانون خانواده، انقراض نسل و فساد جامعه منجر می شود؛ هدف نظام شیطانی از ترویج همجنس بازی، تغییر طبیعت انسان و گرایش های او، نابودی خانواده، ساختن یک موجود مسخ شده تهی از روح پرورش گری، به افتقاد کشیدن انسان و رام کردن او در برابر هرگونه خواسته سیستم سیاسی و فرهنگی حاکم و نظام سلطه جهانی است. کشور ایران نیز از آسیب های این ترویج در امان نبوده و بررسی ها نشان می دهد که دیر یا زود گریبان جوانان و بالاخص سیستم حاکمیتی جامعه را خواهد گرفت؛ در این مقاله برنامه ها و اقدامات و تدابیر آموزشی، تربیتی، در پیشگیری از ترویج همجنس گرایی مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه: همجنس گرایی، آموزش، تربیت، خانواده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

\*نویسنده مسئول: zahragafari66@yahoo.com

### مقدمه

با دقت در عرصه فرهنگ سازی جهانی به مواردی خاص برخورد خواهیم خورد که نظام های غربی به خصوص نظام آمریکا با تغذیه از سرمایه های مالی و انسانی یهود به شدت و با اصرار بسیار عجیب سعی در گسترش و تبلیغ همجنس گرایی در میان مردم خود و دیگر ملت ها دارند و اینجاست که این سوال مطرح می شود که این تلاش مصرانه برای چیست؟ نظام سیاسی غرب دنبال چیست؟ در این پایان نامه با بررسی چرایی این ترویج به دنبال راهکارهای پیشگیری از این بزه در جامعه و ترویج فرهنگ خانواده و اصلاح جامعه و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت و پیشگیری از پیشروی این بزه در میان جامعه و بالاخص جوانان هستیم و به دنبال توجه به اصلاح و بازنگری قوانین مطابق با مقتضیات زمان و استفاده از ظرفیت های قانون برای اصلاح و درمان و پیشگیری از این بزه در جامعه و بیان چالش های موجود در جامعه و نقش خانواده و جامعه در پیشگیری و توجه سیستم قضایی به این بزه به عنوان مقدمه و سرآغاز جرایم جنسی و رفتن جامعه به سمت بی هویتی و پیشگیری از جنگ فرهنگی و رخنه فرهنگی در جامعه هستیم زیرا با این روند پیش رو ضعف عملکرد مسئولین در مبارزه با این ترویج موجب ایجاد لطمات سنگین بر پیکره جامعه خواهد شد که دیر یا زود گریبان جوانان و بالاخص سیستم حاکمیتی جامعه را خواهد گرفت ما می توانیم با آسیب شناسی به موقع و هدفمند جلوی این ترویج و تغییر را بگیریم ما سعی داریم در این تحقیق راه حل های مبارزه با این ترویج هم از طریق اصلاح رسانه ها هم اصلاح انسان و هم اصلاح خانواده و هم اصلاح جامعه را بیان کرده باشد که کارگرافند.

راهکارهای مقابله و پیشگیری از همجنس گرایی

همجنس گرایی هم در قانون مجازات اسلامی و هم در شرع جرم محسوب می شود و دارای مجازات شدیدی است و همچنین گسترش انحرافات و جرایم جنسی عواقب ناگواری چون از بین رفتن احساس امنیت، سستی بنیان خانواده، جریحه دار شدن احساسات عمومی، شیوع بی قانونی در جامعه و حتی سایر جرایم غیرجنسی را به دنبال خواهد داشت. جرایم و انحرافات جنسی، به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، از جمله مسائل مهمی می باشند که در شاخه های مختلف علوم جنایی به ویژه جرم شناسی قابل طرح و بررسی است. نگرانی اندیشوران از گسترش جرایم و انحرافات جنسی در کشور، به این دلیل است که کارشناسی ها و راهکارهای مطرح شده برای مقابله با چنین جرایمی تاکنون به نقطه ی مشترک و ارائه ساز و کاری مناسب برای عملکرد دستگاه ها، آموزش و فرهنگ سازی جوانان جهت پیشگیری از آنها نرسیده است. بنابراین لزوم تقویت مطالعات کاربردی در حوزه های مختلف دینی و ضرورت زمینه سازی دولت به منظور ایجاد تفاهم میان جامعه علمی و کارشناسان نظام جهت پیشگیری از جرایم جنسی بیش از پیش نمایان می گردد پیشگیری از جرایم و انحرافات جنسی در یک تقسیم بندی موسع، شامل پیشگیری « قهرآمیز » و « غیرقهرآمیز » می باشد. در این میان پیشگیری غیرقهرآمیز از آن جهت که لزوم مشارکت آحاد مردم و همکاری آنها را در این امر مهم می طلبد و عموماً برنامه های پیشگیرانه ی خود را قبل از ارتکاب جرم متمرکز می کند، از جایگاه ویژه ای در حوزه ی تئوری پردازی در زمینه کاهش جرایم و

هرچند در قانون مدنی خانواده را مجموعه‌ای از اشخاص خوانده‌اند که به واسطه قرابت به هم بستگی دارند و محور این قرابت اعم - از اینکه سببی و یا نسبی باشد - ازدواج است. در فرهنگ حقوقی دالوز خانواده به عنوان یک نهاد حقوقی معرفی شده که مشتمل بر مجموعه‌ای از اشخاص است که به وسیله رشته‌های زناشویی یا خون و فرزندخواندگی با یکدیگر پیوند یافته‌اند (۲).

بند ۳ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و حق پشتیبانی جامعه و دولت را داراست (۳). اصل دهم قانون اساسی نیز بیان می‌کند که از آنجا که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد (۲).

در همه جوامع، خانواده مسئول حفظ نسل، اجتماعی کردن فرزندان و فراهم کردن محیط مأنوس، صمیمی و پرمهر برای اعضای خانواده است. خانواده در عین حال که کوچکترین واحد اجتماعی است، هسته اصلی جامعه و مبنای پایه هر اجتماع بزرگ است (۱). خانواده در پایه‌ریزی شخصیت اشخاص عامل اصلی است و تاروپود حیات روانی در کانون خانواده به هم تنیده می‌شود. خانواده نماینده روانی جامعه هم معلول و هم علت پیدایش منش اجتماعی است و اولین و مهمترین رسالت وی تربیت و تأمین ارزش محبت در میان اعضای خود و سپس اشاعه و ترویج این ارزش از راه ایجاد روابط محبت آمیز در میان افراد جامعه است. در واقع، خانواده آموزشگاه مقدس محبت است. کودک درس محبت، رحم و شفقت، نیکوکاری، صفا، خلوص، پاکی، راستی، صراحت لهجه، رشادت، شجاعت، از خودگذشتگی، فداکاری، ادب، فروتنی، تواضع، عزت نفس، تعاون، سخاوت، احسان، ایثار، حریت، تقوی، عشق به کمال و سایر سجایا و ملکات انسانی را در نخستین سالهای زندگی خود در دامن پرمهر پدر و مادر می‌آموزد. کانون خانواده، پایگاه اساسی آموزش اصول انسانی و اخلاقی است و به افکار، اراده، عواطف و فعالیت کودک شکل خاصی می‌بخشد و او را اجتماعی می‌سازد. به کودک می‌آموزد که چگونه خود را با هنجارهای اجتماعی منطبق سازد تا در زمره انسان‌های بهنجار و سعادت‌مند محسوب شود. خانواده برای کودک محیطی اجتناب‌ناپذیر و حتمی است و کودک از هنگام ولادت تا سالیان چند با خانواده در تماس مستقیم است. کودک در این دوران موجودی وابسته خانواده و آماده شکل‌پذیری است و هرگونه نقش بد و خوب را می‌پذیرد و می‌توان آن را راست یا کج، شجاع یا ترسو، پرهیزگار یا تهکار و بالاخره صادق یا دروغگو بار آورد. خانواده در این سالها نقش اساسی در تکوین شخصیت کودک دارد و عامل تعیین‌کننده شخصیت وی است (۲).

نقش اساسی خانواده، شکوفا کردن استعداد فرد به صورتی متعادل و جامع است تا بتواند او را به عضو شایسته، مفید و خلاق در اجتماع تبدیل سازد. همچنین آموختن شیوه زندگی با دیگران، همکاری و تعاون با مردم، انتقال میراث‌های فرهنگی، آماده ساختن برای ایفای نقش در نظام تولید، سازندگی از راه خانواده‌ای که بنیان می‌نهد و سرانجام فراگرفتن نحوه مشارکت در حیات سیاسی جامعه، شناخت

انحرافات جنسی برخوردار است. پیشگیری غیر قهرآمیز در بر گیرنده مجموعه تدابیر و اقدام‌های غیر کیفری با هدف مقابله با بزهکاری از رهگذر کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نیز تأثیر - گذاری بر موقعیت‌های پیش جنایی است. این نوع پیشگیری در یک تقسیم‌بندی رایج به «پیشگیری اجتماعی» که بیشتر با تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می‌شود؛ و «پیشگیری وضعی» که از طریق تغییر موقعیت‌ها و فرصت‌های بزهکارانه و مداخله در اوضاع و احوال پیرامونی جرم‌زا، از وقوع جرایم پیشگیری می‌کند، در پیشگیری غیرکیفری یا وضعی بر وضعیت و موقعیت، زمان و مکان وقوع جرم تأکید دارد، به گونه‌ای که ارتکاب جرم برای بزه‌کار سخت گردد، یا فرصت ارتکاب جرم از وی گرفته شود یا خطر شناسایی و دستگیری وی افزایش یابد. این بخش نشان می‌دهد که اهمیت راهکارهای پیشگیری وضعی از جرایم و انحرافات جنسی از طریق خانواده و رسانه‌ها از نظر تأثیرگذاری کمتر از راهکارهای نظارتی و کنترل رسمی، یعنی از طریق دولت و پلیس نیست. تحکیم بنیان خانواده، نظارت و مراقبت والدین بر معاشرت فرزندان و استفاده آنان از وسایل ارتباط جمعی، مراقبت بر حفظ حجاب و عفاف در خانواده و اجتماع، اطلاع رسانی و آموزش رسانه‌ها، تدابیر آموزشی، تربیتی، فرهنگ سازی و جامعه پذیری جوانان، نوجوانان و اطفال از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از جرائم جنسی هستند که اجرای آن‌ها در کاهش آمار جرایم جنسی تأثیر بسزایی دارد در این مقاله سعی شده به بررسی اقدامات و تدابیر آموزشی - تربیتی پرداخته شود.

۱) اقدامات و تدابیر آموزشی - تربیتی

۲) نقش خانواده در کودکی و بلوغ

خانواده یک گروه خویشاوندی و نخستین نظام نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت دارد و مسئولیت اصلی را در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی نیازهای بنیادی دیگر بر عهده دارد. خانواده ناهنجار باعث شکل‌گیری نادرست نظام شخصیتی و اجتماعی افراد در کودکی و نوجوانی شده، شکل‌گیری و فرآیند تربیت را دچار اختلال می‌کند و احتمال بروز رفتارهای ناهنجار و ضداجتماعی را افزایش می‌دهد. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، مسئول حفظ نسل، اجتماعی کردن فرزندان و فراهم کردن محیط مأنوس و پرمهر و محبت برای اعضای خانواده است و نقش بسیار مؤثری در اجتماعی کردن افراد و پیشگیری از بزهکاری دارد. از طریق خانواده می‌توان نوعی پیشگیری اجتماعی ایجاد کرد که از طریق مداخله در فرآیند رشد کودکان و بهبود بخشیدن شرایط زندگی آنان و سالم ساختن محیط خانواده، سعی در حفظ و کاهش عوامل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری دارد.

خانواده در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای دیگر، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد و مرکب از گروهی افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به یکدیگر مربوط بوده و برای مدت طولانی و نامشخص با هم زندگی می‌کنند (۱).

در قانون ما واژه خانواده، علت، ترکیب، نقش و کنش آن در بین عامه مردم تعریف نشده است و شناخت عرفی آن را کافی دانسته‌اند؛

اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه اشتغال و مسکن، تقویت کانون خانواده، حفظ خانواده (به خصوص در خانواده‌هایی که روابط پدر و مادر و فرزند تحت فشار شدید و در حال ازهم گسیختگی است)، آموزش شهروندان و خانواده‌ها درباره خطرها و مشکلات ناشی از اعتیاد و استفاده از مواد مخدر، اتخاذ تدابیر مناسب در مورد آموزش عمومی، تولید مجموعه‌های آموزشی برای والدین در خصوص فرآیند رشد، تشکیل انجمن‌های اجتماعی و آموزشی برای حفظ خانواده و جلوگیری از بره مخوردن امنیت و آرامش، آموزش نحوه تربیت کودکان، ریشه کن کردن فقر و بالاخره برآوردن نیازهای اساسی در جریان رشد، میتواند نقش بسزایی در تقویت کانون خانواده و تربیت کودکان و به تبع آن پیشگیری از وقوع جرائم داشته باشد.

اما با شروع دوران بلوغ، احساسات و غرایز جدیدی در فرد شکفته می‌شود. یکی از این غرایز فوق العاده قوی، هیجانانگیز و فشارهای شدید جنسی است. نحوه کنترل و پرورش درست، مجموعه غرایز در دوران بلوغ فرد را از یک دوره بحرانی به سلامت به در خواهد برد و شخصیت وی را شکل خواهد داد. وظیفه پدر و مادر از این مرحله به بعد، نقشی تعیین کننده در شخصیت و آینده فرد خواهد داشت. دختر یا پسر فرقی نمی‌کند، هر دو در وادی ناشناخته‌ای قدم گذاشته‌اند. مشکل جامعه ما این است که حیا، ترس و احترام‌های بی مورد، مانع نزدیکی پدر و مادر به فرزندان است. والدین باید در این مرحله بحران، با منطقی ساده و بدون پرده‌پوشی‌های غیرضروری، اطلاعات کافی را درباره بلوغ و مسائل جنسی و آثار ناشی از آن به فرزندان بیاموزند. پدر و مادر برای فرزندان قبل از هر نقشی به عنوان یک دوست و محرم راز باشند. این نزدیکی اثرات فوق العاده مؤثری خواهد داشت. از یک طرف فرد به مسائل و هیجانانگیز تازهاش واقف می‌شود و آنها را میشناسد و از طرف دیگر راه‌های کنترل و ارضای آن را یاد می‌گیرد. نزدیکی والدین به فرزندان این امکان را به آنها خواهد داد که مسائل، تجربیات، دیدها و شنیده‌هایشان را بدون ترس و دلهره با والدینشان مطرح کنند و چون مرحله به مرحله با افکار و احساسات فرزندان همراه و آشنا خواهند شد، چه بسا قبل از کجروی و انحراف، آنها را تشخیص داده و فرزندان را از ارتکاب اعمال مجرمانه و رفتارهای ناهنجار و نادرست برهانند (۶).

### ۳ نقش مهر و محبت در محیط خانواده

در پیشگیری از وقوع جرم آرامش، امنیت، مهر و محبت در کانون خانواده از عوامل بسیار مهم در رشد جسمی و روانی اطفال و نوجوانان است. مهر و محبت والدین را می‌توان ویتامین روانی کودک نامید. احتیاج به محبت یک حس ذاتی بشری است که در تکوین شخصیت هر فرد فوق العاده مؤثر است. کمبود محبت سبب بروز اختلال منش و انواع انحرافات شده و در چندین نسل اثر می‌گذارد. طفلی که از محبت خانوادگی محروم است، خود را از خانواده و اجتماع طرد شده و منزوی تلقی کرده، همواره درصدد انتقام جویی است و پس از ارتکاب اعمالی برخلاف آداب و رسوم اجتماعی قلباً احساس شعف و رضایت خاطر می‌کند (۷). احتیاج به محبت محدود به زمان خاصی نیست. این حس در دوره طفولیت

نهادهای سیاسی و آمادگی برای قبول مسئولیت مربوط به آن، از دیگر وظایفی است که خانواده به عهده دارد.

در پیشگیری از وقوع جرائم، تأکید اصلی بر مهار یا جلوگیری از عوامل خطری است که کودکان را در آستانه کجروی یا بزهکاری قرار می‌دهد. عوامل خطر در این پیشگیری مجموعه شرایط فردی و اجتماعی است که پدیداری، پیوستگی و پایداری رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان به همراه دارد. از مهمترین این عوامل می‌توان به نداشتن ریشه‌های خانوادگی یا روشن نبودن آن، فعالیت جنسی و بارداری زودرس، مصرف مواد مخدر یا الکل، کم‌سوادی و یا بی‌سوادی پدر و مادر، فقر اقتصادی، بیکاری یا ب‌ثباتی کاری سرپرست خانواده، اعتیاد پدر و مادر، خشونت‌های خانوادگی، سازش‌ناپذیری پدر و مادر، رها کردن خانواده اشاره کرد (۴).

غفلت والدین در تربیت کودکان، عدم آشنایی به نحوه تربیت و عدم کفایت خانواده در تربیت فرزند، نقش اساسی را در بزهکاری فرزند ایفا می‌کند. به همین دلیل حمایت از مادران از رهگذر برنامه‌های مربوط به پیش از تولد یا هنگام تولد به منظور بهبود بهداشت مادران، آماده‌سازی آنها برای پذیرش نقش اجتماعی جدید، ایجاد علاقه میان مادران با کودکان و جلوگیری از خشونت علیه کودکان نقش بسزایی در پیشگیری از کاهش رفتارهای مجرمانه دارد (۵).

پیشگیری از وقوع جرم عبارت است: از بین بردن مقتضیات هنجارشکنی و ایجاد موانع بر سر راه آن و استفاده از راهکارهایی برای ممانعت از وقوع جرم. بنابراین باید خانواده‌ها را برای تأمین سعادت فردی و اجتماعی افراد تجهیز و نیرومند ساخت تا از کجی و آسیب‌پذیری مصون باشند و در سازندگی و تربیت کودک نقش فعال خود را بدون مانع ایفا کنند. با تلاش برای از بین بردن موانع ایجاد یک خانواده خوب و سالم و تقویت روابط اعضای خانواده، میتوان از وقوع جرائم کاست (۵).

در نتیجه دوران کودکی پرمایه‌ترین دوران زندگی است. از دست دادن این لحظات گرانبها جبران‌ناپذیر است و اگر کودک در این دوران صحیح تربیت نشود، عادات زشت و هرزه در وی رشد می‌کند و در نتیجه زمینه بزهکاری وی در بزرگسالی فراهم می‌شود. پس باید تمام تلاشها به رشد صحیح کودک معطوف شود و این امر مستلزم شناسایی دقیق و روانشناسانه کودک و فرآیند رشد و آگاهی از نیازهای روانی و مادی اوست. با بررسی صورت گرفته مشخص شد که بی‌مهری و بی‌عاطفگی، عدم کفایت خانواده و بی‌اطلاعی از فرآیند رشد تأثیری اساسی در بزهکاری و وقوع جرم دارد. در نتیجه هراندازه خانواده استحکام بیشتری داشته باشد و از روانشناسی کودک و فرآیند رشد مطلع‌تر باشد، کودکان سالم و پرنشاط‌تری را که زمینه بزهکاری کمتری دارند، وارد جامعه می‌کند؛ چراکه شکل‌گیری نادرست نظام شخصیتی و اجتماعی افراد در کودکی و نوجوانی فرآیند تربیت آنان را دچار اختلال می‌کند و احتمال بروز رفتارهای ضداجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. بزهکاری نتیجه کنشها و واکنش‌های عوامل متعددی است، ولی می‌توان گفت خانواده ناسازگار، آشفته و بی‌اطلاع از نحوه تربیت در دوران کودکی، سهم بسزایی در بزهکاری افراد در بزرگسالی دارد. از اینرو، مداخله به هنگام نهادهای تأثیرگذار در فرآیند تربیت و اجتماعی شدن افراد،

خطرناک است. اثر طلاق در فرزندان نیز بسیار شدید است و عقده‌هایی غیرقابل تحمل و توأم با نفرت در آنان به وجود می‌آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است (۶).

اثرات روانی محیط متشنج خانوادگی در دوران اولیه طفولیت و دوران بلوغ با انواع اختلالات و بیماری‌های روانی ظاهر می‌شود. نفاق، ناسازگاری و مشاجره دائمی پدر و مادر و اطرافیان آثار شومی را در روان طفل باقی می‌گذارد. طفل به علت عدم آرامش روانی، به تحصیل و کار خود بی‌علاقه شده، دائماً مضطرب، پریشان و بی‌ثبات است. آثار این ناراحتی‌ها بعداً در سنین بلوغ و بزرگسالی به صورت عصیان، پرخاشگری، سرکشی از مقررات و قوانین اجتماعی و یا بی‌تفاوتی و انزوا و گوشه‌نشینی ظاهر شده و منجر به ارتکاب جرائم مختلف می‌شود. از هم‌گسیختگی خانواده در دختران، غالباً منجر به فرار از منزل و مدرسه و ولگردی و گرایش به جنس موافق برای رفع کمبود محبت و همجنس‌گرایی می‌شود. پسران کوچک و خیابان را به محیط ازهم‌پاشیده خانه ترجیح می‌دهند و با قبول عضویت دوستی‌های ناباب به ارتکاب جرائم مختلف کشانده می‌شوند (۷).

پس باید گفت چون خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است، باید هر چه بیشتر مورد توجه قرار گیرد و سعی شود که از سستی‌های خانوادگی به خصوص طلاق، جلوگیری به عمل آید تا به این طریق از وقوع جرائم پیشگیری شود.

#### ۴) رفتارسازی

آنچه در این مبحث آمده، تجزیه و تحلیل کارکرد نهادهای اجتماعی به طور عام است و نقش نهاد خانواده، به عنوان اولین و کارآمدترین بخش از نهادهای اجتماعی، در آنها مستتر است. به همین دلیل بنا داریم با برجسته‌سازی جایگاه نهاد خانواده در این مباحث، اهمیت این نهاد را در فرآیند تعاملات اجتماعی و جلوگیری از وقوع جرائم تبلور بخشیم.

در مورد کارکرد نهادهای اجتماعی در ساخت رفتار اجتماعی سخن بسیار گفته شده و به حق، اجماع غیرقابل انکاری در این زمینه شکل گرفته است. طیف متنوعی از متفکران و نویسندگان در این زمینه وجود دارد که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود. وثوقی و نیک‌خلق و برخی دیگر با رویکرد جامعه‌شناختی به تحلیل نهادهای اجتماعی پرداخته، معتقدند نهاد اجتماعی به معنی نظامی است از روابط اجتماعی که ساخته و پرداخته و پایدار است، هدف آن مشخص است، کنش آن از شخصیت افرادی که عهده‌دار آن هستند، گذشته و به افراد دیگر منتقل می‌شود و در طول زمان استمرار و مداومت پیدا می‌کند. در این مورد نقش نهاد خانواده برجستگی ویژه‌ای نسبت به سایر نهادها دارد؛ زیرا پایدارترین نوع روابط اجتماعی را می‌توان در نهاد خانواده، که بر مبنای روابط عمیق عاطفی شکل می‌گیرد، سراغ گرفت. اساساً در اغلب خانواده‌هایی که دارای کانونی گرم هستند و از انسجام بالایی برخوردارند، انتقال فرهنگ و هویت اجتماعی به شکلی روان و به سادگی انجام می‌گیرد (۹).

کوئن، به نقش الگوسازی و تعیین روشهای دستیابی به الگوها در کارکرد نهادهای اجتماعی نظر داشته، می‌نویسد: «نهادها الگوی

پایه‌گذاری می‌شود، ولی افراد در دوره بلوغ نیز احتیاج به محبت، عاطفه، هدایت و حمایت دارند و در صورت کمبود محبت و محرومیت از عواطف انسانی، عصیانگر و پرخاشگر شده و به طرف ارتکاب جرائم سوق داده می‌شوند. جان بالبی نویسنده کتاب «محرومیت از مهر مادر» می‌گوید: «عوارض کمبود محبت به صورت بی‌عاطفگی، بی‌رحمی، افت تحصیلی، بی‌باکی، سرقت، تقلب، انحراف، خودفروشی و فحشا است» (۸).

والدین باید فرزندان را بنا بر مقتضای شرایط اجتماعی و تربیتی جامعه‌ای که می‌خواهند زندگی کنند، پرورش و تربیت کنند. چنانچه والدین غیر از این توقع داشته باشند، وقتی کودک به محیط خارج از خانواده راه یابد، خود را در حالت نامتعادل و ناسازگاری خواهد یافت که ممکن است در ارتباط او با دیگران تأثیر نامطلوب بگذارد. والدینی که سعی می‌کنند کودکان خود را بر مبنای معیارهای ارزش ذهنی خود و یا بر مبنای روش‌های تربیتی جوامع بیگانه تربیت کنند، به ناسازگاری اجتماعی آینده کودک ناخودآگاه کمک کرده‌اند (۶).

#### ۴) ضرورت تقویت حس مذهبی و اعتقادی

ضرورت تقویت حس مذهبی و اعتقادی فرزندان توسط خانواده تقویت حس مذهبی و اعتقادی مهاری است درونی برای کنترل اجتماعی و بارور کردن حس وجدان و زندگی شرافتمندانه در انسانها و مهمترین بازدارنده از وقوع جرم است. تقویت ایمان دینی و باورهای مذهبی با آموزه‌هایی همچون باور به آفریننده حکیم، عادل و عالم، هدفدار بودن هستی و دوری آن از هرگونه بطلان و عبث و نیز باور به قیامت و روز جزا و با آثاری همچون رضا به قضای الهی، توکل به خداوند، خوشبینی به آفرینش، نوع‌دوستی و خیرخواهی برای بندگان خدا، زمینه هرگونه جرم و گناه را می‌خشکاند و عطر آرامش و امنیت را در جامعه می‌افشاند. تذکر آخرت و یادآوری روزی که هر کسی ثمره نیک و بد اعمالش را (چه بزرگ و چه کوچک) می‌بیند و می‌چشد، انسان را به صیانت از خویش و مراقبت از اعمال خود وامیدارد.

#### ۵) اجتناب والدین از سستی‌های خانوادگی و طلاق

تفرقه و جدایی بین زن و شوهر کاری زشت و ناپسند است، زیرا مصائب آن دامنگیر دیگران هم می‌شود. در پاره شدن زنجیر خانواده تنها حلقه‌ای که پاره می‌شود، بچه‌ها هستند. چون پدر فردی است مستقل و مادر هم همینطور، ولی آنکه بی‌پناه و متزلزل است، فرزند یا فرزندان هستند، حتی اگر تحت حمایت یکی از دو پاره زنجیر قرار گیرند، باز هم حلقه‌ای گسسته به‌شمار می‌آیند. و این فرزندان اغلب دچار جراحات عاطفی می‌شوند و از اینرو موجبات خسران اجتماعی را فراهم می‌سازند. از نظر جرم‌شناسان، طلاق در وقوع بزه بی‌تأثیر نیست و از عوامل جرم‌زمامحسوب می‌شود. اثرات طلاق در مردان این است که آنها را افرادی غیرمتعهد بارمی‌آورد. آمار جنایی نشان می‌دهد که تعداد این افراد غیرمتعهد در میان زندانیان قابل ملاحظه است. اثر طلاق در زنان، به‌خصوص آنهایی که پناهگاهی ندارند و فاقد استقلال اقتصادی هستند، سخت

و نظایر آن هستند، بر اساس ارزش‌ها و سنت‌ها (که عموماً پایدارترین آنها مقرر است) و قواعد و قوانین وضع شده است) به تعامل و تبادل با یکدیگر می‌پردازند و در چارچوب‌های «تقسیم کار اجتماعی» و وظایف و مسئولیت‌های معین، هویت‌آفرین می‌شوند. در این بخش به نقش و کارکرد نهاد خانواده در هویت‌سازی تصریح شده است؛ زیرا در فرآیند هویت‌یابی، یکی از مؤلفه‌های بارز احساس تعلق و عاطفه گروهی است. بدیهی است در چنین فضای عاطفی، احساس آسایش و آرامش افراد از تعامل و هم‌زیستی با دیگران، مهم‌ترین کارکرد هریک از اعضای گروه است. به همین دلیل هویت و امنیت اجتماعی از تراکم چنین عواطف و علقه‌هایی پدیدار شده و از قوام بیشتری برخوردار می‌شود (۱۰).

به نقش طبقه اجتماعی در ساخت هویت اجتماعی تأکید داشته، بر این باور است که فرد در مسیر رشد و تکامل خود، ناگزیر خوی‌ها و منش‌های طبقه خود را به دست می‌آورد و بر اساس آن عمل می‌کند. این موضوع ناظر به طیف وسیعی از خانواده‌ها است که به- لحاظ پایگاه اجتماعی در طبقات معینی جای می‌گیرند؛ زیرا یکی از شاخصه‌های تعیین پایگاه اجتماعی افراد، وابستگی آنها به نوع خاصی از خانواده‌هاست و ویژگی فرد به تنهایی نمی‌تواند گویای طبقه اجتماعی او باشد. به همین دلیل کیفیت کارکرد خانواده، به‌عنوان واسطه انتقال خوی و منش خاص، بر طبقه مربوط به اعضا و ساخت هویت فردی و اجتماعی آنها تأثیرگذار است.

در یک جمع‌بندی کوتاه می‌توان گفت:

۱. نهادهای اجتماعی دارای ویژگی‌های ممتازی در رفتارسازی هستند؛
۲. این رفتارسازی از یک منطق قوی پیروی می‌کند، به نحوی که از نهاد اجتماعی، تولید رفتارهای خاصی مورد انتظار است؛
۳. نهادها دارای کارکردهای آشکار و پنهان هستند؛
۴. نهادهای اجتماعی نقشی بی‌بدیل در ساخت هویت اجتماعی دارند؛
۵. کارکرد نهاد خانواده به لحاظ بافت مستحکم آن، در میان نهادهای اجتماعی، برجسته‌تر است.

حال میتوان گفت رفتارهای فردی و گروهی خاص، مولود ساخت‌های اجتماعی معینی هستند که از یک نظم منطقی و عقلانی پیروی می‌کنند و هر رفتار نظام‌مندی متناسب با چارچوب نهادی مشخص، تولید معینی از رفتارها را به دنبال دارد. این همبستگی نهادی و رفتاری به حدی است که هیچ‌گاه یک پدیده اجتماعی رانمی‌توان به طور تصنعی از بستر تاریخی و چارچوب ساختی خود خارج کرد و به طور منفرد مورد مطالعه قرار داد. به همین دلیل در تجزیه و تحلیل‌های جامعه‌شناختی همواره باید علاوه بر کارکردهای آشکار نهادها و ساختارها، به تولید رفتارهای به ظاهر پنهان نهادها، نیز نگاه تیزبینانه‌ای داشت. در نهایت اینکه فرآیند کارکرد نهادها، به ویژه نهاد خانواده، در ساخت هویت و امنیت اجتماعی، به طور آشکار و خودآگاه و به نحو قاطع‌تری به صورت پنهان و ناخودآگاه در جریان است.

۸. هدفدار کردن زندگی برای فرزندان توسط والدین والدین باید زندگی را برای فرزندان نشان هدفدار کنند تا آنها احساس بوجی و بهبودی نکنند و رو به انحرافات و جرائم نیاورند. زیرا

رفتار اجتماعی شایسته را در موقعیت‌های گوناگون، در اختیار فرد می‌گذارند... و از طریق فرآیند اجتماعی شدن، شیوه‌های رفتار شایسته و ناشایسته را به افراد نشان می‌دهند.» در این باره چند نکته قابل ذکر است:

۱. اجتماعی کردن یکی از کارکردهای مبرهن خانواده است که مورد توجه دانشمندان جامعه‌شناسی و روانشناسی قرار گرفته و به نظر می‌رسد کارکرد نهاد خانواده در مقایسه با سایر نهادها در این مورد شایان توجه بیشتری است. با توجه به اینکه در اغلب خانواده‌ها به لحاظ حاکمیت روابط عاطفی، اعتقاد الگوهای اجتماعی به سطح اجتماع است و در پذیرش آن با کمترین موانع مواجه هستیم. ۲. این موضوع می‌تواند آثاری ژرف در ساخت هویت و امنیت اجتماعی داشته باشد؛ زیرا الگوپذیری در دو وجه مثبت و منفی با شدت معناداری در نهاد خانواده وجود دارد که سایر نهادهای اجتماعی از چنین اثربخشی و وثیقی بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند (۹).

پل لازارسفلد، نیز با قطعیتی فوق‌العاده بر این باور است که انسانها اساساً تحت تسلط نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، عمل می‌کنند. این رویکرد، باوری متعصب درباره روابط بین نهادهای اجتماعی است که به کارکرد خانواده‌هایی با بافت سنتی و آغشته به نوعی تعصب کاستی مربوط می‌شود که هرچند با وجود تحولات چشمگیر ناشی از توسعه و جهانی شدن، با آشکالی از این نوع خانواده‌ها در برخی جوامع کنونی مواجه هستیم، اما حجم زیادی را به خود اختصاص نمی‌دهند (۹).

تعداد دیگری از پژوهشگران به نقش و کارکرد غیرقابل انکار نهادهای غیررسمی در ساماندهی و رفتارهای فردی و اجتماعی تأکید می‌کنند. آنها معتقدند در عصر مدرن بخشی از وظیفه ساماندهی فردی و اجتماعی بر دوش نهادهای غیررسمی است و به راحتی نمی‌توان این وظیفه را از آنها ستاند (۱۰).

در خصوص این مرحله منصوری (که نقش سیاسی نهادهای اجتماعی را متناسب با نوع ساختار آنها مورد بررسی قرار داده) می‌نویسد: دسته اول نهادهایی هستند که مسئولیت و وظیفه مستقیم و تعیین شده‌ای در این ارتباط ندارند و در این زمینه به صورت غیررسمی و غیرمستقیم عمل می‌کنند. اینگونه نهادها در جریان فعالیت‌های عادی و روزانه خود، مفاهیم، ارزشها، دیدگاهها و گرایشها را منتقل می‌کنند.

همانگونه که اشاره شد، کارکرد نهاد خانواده در ساخت رفتار اجتماعی، در مقایسه با سایر نهادهای غیررسمی از عمق بیشتری برخوردار است و نقش تعیین‌کنندگی زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. به همین دلیل خانواده‌هایی که همبستگی بالایی دارند، در ترویج خط‌مشی‌های سیاسی خاص، کارآمدتر عمل می‌کنند و موفقیت زیادی در جذب آرای عمومی به دست می‌آورند (۱۰).

#### ۷) هویت‌سازی

طیف زیادی از دانشمندان جامعه‌شناسی به هویت‌آفرینی آن‌ها گروه‌ها و نهادهای اجتماعی معتقدند. در تحلیل‌های این گروه آمده است: گروه‌های اجتماعی که شامل گروه‌های خانوادگی، دینی، شغلی، آموزشی، جنسی (زنان و مردان)، سنی (کودک، نوجوان، جوان، میانسال، پیر و فوتوت)، نظامی، ملی، قومی (طبقه‌ای) (اجتماعی)

زندگی فلسفه و راه و روشی می‌خواهد. من که هستم؟ از کجا آمده- ام؟ چرا زندگی می‌کنم؟ چرا باید بمیرم؟ چرا باید بجنم؟ چرا باید صلح کنم؟ و... این الفبای کار والدین در تربیت است و اگر از این امر غفلت ورزند، بسیاری از جوانان در زندگی بی‌هدف می‌شوند و به دلیل این بی‌هدفی‌هاست که نمی‌دانند سر در کدامین گریبان فرو برند و شاید هم خیلی راحت به جرائم و انحرافات اخلاقی روی آورند پس والدین باید نوجوان و جوان را در حد مطلوب و مناسب از عاقبت این زندگی و سرانجام آن آگاه سازند. باید به آنها متذکر شوند که بیهوده به این عالم نیامده‌اند، بلکه خلقت آنها هدف و فلسفه والایی داشته و حساب و کتابی هم برای آن در کار است.

#### ۹) تربیت جنسی فرزندان

گاهی پسرها و دخترها در سنین نوجوانی و قبل از آن، به افراد هم‌جنس خود علاقه‌مند می‌شوند و نسبت به آن‌ها عواطف شدیدی (نوازش کردن، بوسیدن و در آغوش گرفتن یکدیگر) را نشان می‌دهند. این عواطف معمولاً گذرا هستند و به همان سرعت که شکل می‌گیرند، از میان می‌روند. اما در برخی موارد، افراد هم‌جنس برای یکدیگر جاذبه‌ی جنسی پیدا می‌کنند و یا بین آن‌ها تماس جنسی برقرار می‌شود. در این صورت رفتار آن‌ها نشانه‌ای از وجود اختلال هم‌جنس‌گرایی است. بسیاری از متخصصان، بالینی، گرایش به هم‌جنس را به دو نوع، «نهفته و آشکار» تقسیم می‌کنند. در هم‌جنس‌گرایی نهفته، تمایلات بیشتر به صورت ناخودآگاه، نامشخص و پنهان است. در حالی که در هم‌جنس‌گرایی آشکار، گرایش‌ها به صورت خودآگاه بوده و ممکن است فرد، ظاهر خود را به جنس مخالف تبدیل کند. از آن جا که هم‌جنس‌گرایی در کودکان و نوجوانان ریشه‌ی ذاتی و فطری نداشته و معلول یادگیری‌های اجتماعی می‌باشد، وجود افراد هم‌جنس‌گرا در محیط‌های آموزشی، مدارس و مراکز شبانه روزی، زمینه را برای بدآموزی‌های اجتماعی و گسترش رفتارهای ناسالم فراهم می‌سازد. شناسایی گرایش‌های هم‌جنس‌خواهانه در کودکان و نوجوانان از ابعاد مختلف زیر دارای اهمیت است:

۱- اسلام و بسیاری از مذاهب، هم‌جنس‌گرایی را رفتار غیر اخلاقی و مغایر با طبیعت و فطرت انسانی می‌دانند و بدین جهت آن را تحریم نموده‌اند.

۲- از دیدگاه اجتماعی، این نوع تمایلات نکوهش شده و بسیاری از افراد جامعه نسبت به هم‌جنس‌گراها نگرش منفی دارند. اغلب والدین به محض اطلاع یافتن از رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه در فرزندشان، وی را طرد می‌کنند حتی ممکن است دوستانشان، بر چسب‌ها و اسامی زشتی روی آن‌ها بگذارند.

۳- تداوم رفتارهای هم‌جنس‌خواهانه در دوران کودکی و نوجوانی موجب شکل‌گیری یک عادت انحرافی می‌شود که ترک آن دشوار است. به علاوه، بسیاری از این افراد، خود عامل انحراف و اشاعه‌ی آلودگی در اجتماع خواهند بود.

۴- تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد که افراد مبتلا به هم‌جنس‌گرایی، به مرور زمان میل و رغبت خود را نسبت به تشکیل خانواده وارضای طبیعی‌ی غرایز جنسی از دست می‌دهند. شیوع این رفتارها، تداوم و بقای نسل را در جامعه با خطر جدی مواجه می‌سازد (۱۱).

گاهی والدین، آگاهانه یا از سر ناآگاهی، رفتارهای جنس‌مقابل را در فرزندان خود تقویت می‌نمایند. خریدن لباس‌ها و اسباب بازی‌های پسرانه برای دختران یا برعکس، آرایش مو و حتی نحوه‌ی گفت و گوی والدین با فرزندان، موجب می‌شود کودکان، نقش‌ها و هویت جنسی خود را به درستی نشناسند و در دوره‌ی نوجوانی و بزرگسالی در پیروی کردن از آن نقش‌ها با مشکل مواجه شوند. وجود رفتارهای پسرانه در دختران و رفتارهای دخترانه در پسران نشانه‌ی شیوه‌های نادرست تربیتی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد کودکانی که با این سبک تربیتی پرورش می‌یابند، آمادگی بیشتری برای گرایش به افراد هم‌جنس دارند. علاوه بر این، در خانواده‌هایی که پدر مقتدر و کارآمد حضور ندارد و یا روابط پدر با کودک، تحقیرکننده و توهین‌آمیز است، کودک تسلیم شدن در برابر دیگران را می‌آموزد و میل به هم‌جنس در او تقویت می‌شود (۱۱). در سنین نوجوانی و قبل از آن فشار گروه همسالان افزایش می‌یابد. بچه‌ها برای حفظ دوستی، احساس تعلق و ارزشمندی و کسب تأیید از طرف گروه، تا حد زیادی به نظرات همسالان خود تکیه می‌کنند. دوستی‌ها و معاشرت‌های ناسالم با افرادی که در مرحله‌ی بیداری جنسی هستند، نوجوان را در معرض وسوسه قرار می‌دهد و بر تصمیم او برای گرایش به رفتارهای جنسی مخاطره‌آمیز تأثیر می‌گذارد. گاهی بی‌توجهی والدین نسبت به رعایت حدود روابطشان در حضور فرزندان و هم‌چنین عدم نظارت بر نوع رابطه‌ی اعضای خانواده و بستگان نزدیک با کودک، زمینه را برای بیداری غریز جنسی و تحریک کنجکاوی‌های کودک فراهم می‌سازد.

در شریعت اسلام، کودک به عنوان عالی‌ترین عطیه الهی و مبنای ساختار جامعه انسانی است. از این رو نه تنها به تربیت سالم، مراقبت مستمر و محافظت دائمی از ایشان توجه عمیق شده، بلکه آموزه‌های دقیق، حساب شده و گسترده‌ای به منظور دفاع از حقوق اطفال ارائه شده است که یکی از آنها، هدایت‌گریز جنسی در مسیر صحیح است. غریزه جنسی، غریزه طبیعی است که در آفرینش انسان قرار داده شده است و در پرتو یک سلسله مقررات دقیق طبیعی، راه رشد و تکامل خود را می‌پیماید و تا رسیدن به زمان بلوغ، به تدریج مراحل را طی می‌کند. از این رو برنامه طبیعت در چند سال قبل از بلوغ کودک مخفی ماندن تمایل جنسی است، بدین سان لازم است زمینه و شرایط مخفی نگاه داشتن غریزه جنسی فراهم شود. اسلام در بردارنده قواعد مهم و دستورالعمل‌ها و راهکارهای جامع مندرج در شریعت اسلام به مانند احترام به کرامت و عزت انسانی، مصلحت‌اندیشی، رفتار اعتدال‌گرایانه و نفی هر گونه تبعیض و تخریب، لزوم محبت و مهرورزی، جلب مشارکت و مسؤولیت‌پذیری و استحکام پایه‌های معنوی است که با کار بست هر یک صفات، ملکات نفسانی، و رفتارهایی در راستای هدف عالی قرب الهی در همان اوان کودکی ظاهر می‌شود. اسلام ضمن سفارش به تقویت فضایل اخلاقی همچون حیا، عفت و غیرت و ضرورت پرورش آنها در روح و روان آدمی و الگودهی عملی اولیا و مربیان و افراد مرتبط با طفل در کنترل و تعدیل غریزه جنسی، توصیه به قرارگرفتن غریزه جنسی در پرده اختفا و خمود در دوران قبل از بلوغ، می‌نماید، زیرا با قرارگرفتن کودک در محیط آلوده و ناپاک، افزون بر اینکه سجایای انسانی و فضایل اخلاقی از صفحه

بین خودشان حل کنند تا اعضای خانواده بتوانند به صورت منسجم در کنار یکدیگر پایدار بمانند؛

۲. نظام قانونی بانیات و ضوابط صحیح حاکم بر خانواده؛ به شرط آنکه همه اعضای خانواده طبق آن عمل کنند؛

۳. نظام ارزشی و اعتقادی صحیح؛ تا مرز بین رفتارهای مطلوب و نامطلوب در خانواده مشخص باشد و همه به ویژه بزرگسالان در خانواده در قالب‌های مطلوب این ارزشها عمل کنند؛

۴. روش‌های تربیت کودک؛ که باید مبتنی بر روش‌های تربیتی اصولی صحیح باشد و همه تلاش‌ها در جهت رشد و تعالی همه افراد خانواده اعم از پدر و مادر و فرزندان صرف شود؛

۵. همه افراد خانواده با همیاری و همکاری در جهت نیل به اهداف خانواده کمک کنند؛

۶. انطباق و انعطاف‌پذیری؛ تا اعضای خانواده بتوانند متناسب با تغییرات و بحران‌هایی که در خانواده پدید می‌آید، واکنش‌های مناسبی را از خودشان نشان بدهند. بالاخره سخن آخر اینکه ما باید به فرزندانمان و فرآیند رشد آنها اعتقاد و ایمان داشته باشیم تا بتوانیم همه تلاشمان را در جهت رشد و بالندگی آنها صرف کنیم. ما باید به آنها اعتماد کنیم تا عملاً اعتماد آنها را به خود، دیگران و زندگی بیاموزیم. این مفهوم را حضرت علی (ع) در نامه سی و یکم نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن (ع) چنین فرموده- اند: «بگدار بی‌پرده سخن بگویم و این راز بزرگ تربیت را بازگشایم که دل نوجوان چون خاک، خوب و آماده پذیرایی هر بذری است. باید هرچه زودتر هسته‌های عشق و ایمان را در آن افشاند و گرنه ناهلان زمین را از شر فساد پر میسازند.»

#### نتیجه‌گیری

جرائم و انحرافات جنسی به ویژه همجنس‌گرایی، به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، از جمله مسائل مهمی می‌باشند که در شاخه‌های مختلف علوم جنایی به ویژه جرم‌شناسی قابل طرح و بررسی است. نگرانی اندیشوران از گسترش جرائم و انحرافات جنسی در کشور، به این دلیل است که کارشناسی‌ها و راهکارهای مطرح شده برای مقابله با چنین جرایمی تاکنون به نقطه‌ی مشترک و ارائه‌ساز و کاری مناسب برای عملکرد دستگاه‌ها، آموزش و فرهنگ‌سازی جوانان جهت پیشگیری از آنها نرسیده است. بنابراین لزوم تقویت مطالعات کاربردی در حوزه‌های مختلف دینی و ضرورت زمینه‌سازی دولت به منظور ایجاد تفاهم میان جامعه علمی و کارشناسان نظام جهت پیشگیری از جرائم جنسی بیش از پیش نمایان می‌گردد.

همجنس‌بازی در طول دوران معاصر همواره قبیح و ناهنجار تلقی می‌شده و در تمام کتاب‌های روانشناسی و پزشکی تمایل به هم‌جنس از اساسی‌ترین بیماری‌های روانی شناخته می‌شده اما به تدریج با قدرتمند جنبش همجنس‌باز گروه‌های تحقیقاتی مختلفی شکل گرفت و آن‌ها در بسیاری از نسخه‌های جدید کتب مرجع پزشکی و روانشناسی همجنس‌بازی را امری طبیعی و علمی نشان دادند، همجنس‌بازان هم برای توجیه و قبح زدایی از این کار شنیع، از این کتاب‌ها بسیار استفاده می‌کنند این تلاش‌ها نتیجه هم داشته و امروزه

وجود او کم کم محومی‌شود، کودک دستخوش آسیب‌های جنسی به دنبال خودارضایی، همجنس‌گرایی، کودک‌آزاری و رضایت به انواع سوء استفاده‌های جنسی قرار می‌گیرد که در نهایت سلامت روحیه‌اش به خطر می‌افتد، لیکن پرورش کودک در سایه تعالیم ارزشمند اسلام با عنایت به مقتضیات زمان و عمل به راهکارهای مطلوب و مؤثر شریعت مقدس اسلام، می‌تواند نقش مؤثری در رشد و گسترش هنجارها و فضایل اخلاقی فاقد هرگونه انحراف ایفا نماید که در این میان ارائه چند پیشنهاد توصیه می‌شود:

۱- ارائه آموزش مناسب و اطلاعات کافی در مورد اندام‌های جنسی کودک از بُعد فیزیولوژی، روانشناسی و اخلاق مربوط به غریزه جنسی و مسائل بهداشت جنسی به دانش‌آموزان در مدارس ضرورت دارد.

۲- ارتقای سطح آگاهی و آموزش والدین (قبل از تولد و بعد از تولد کودک) و مربیان مهدکودک‌ها و مدارس به عنوان رابطان مهم امر تربیت جنسی در مورد شناخت بُعد روحی-روانی کودک و آگاهی نسبت به مسائل جنسی و نحوه برخورد با هر گونه شبهه و پرسش مطرح شده از سوی کودک در کسب تربیت جنسی به نحو مطلوب لازم است، به ویژه آنکه مربیان با کسب آگاهی نسبت به تغییرات هورمونی، عاطفی و هیجانی سنین بلوغ در قالب فعالیت‌های گوناگون و با کمک والدین، کودکان را نسبت به تغییرات سنین بلوغ آشنا کنند و در خصوص ویژگی‌هایی همچون اخلاق پسندیده، خویش‌داری و خودکنترلی در مسائل جنسی و حفاظت از حریم خصوصی بدن ارشاد نمایند.

۳- تبیین آموزه‌ها و احکام جامع و ارزشمند اسلامی در جهت عفت جنسی و جلوگیری از انحرافات از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و محیط‌های آموزشی ضروری است.

۴- تلاش در جهت فراهم شدن محیط سالم و عاری از عرضه انواع محرک‌های نفسانی و مخرب در جامعه و پیاده شدن سجایای انسانی و فضایل اخلاقی با کمک و پشتیبانی دولت و ملت به منظور پررنگ‌تر نمودن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی لازم است.

۵- بهره‌گیری از مدیران و تولیدکنندگان متعهد در عرصه ابزار و آلات بازی و سرگرمی، تفریحی و آموزشی و رسانه و آموزش آنان در این خصوص، تقویت نظارت عمومی، به ویژه نهادهای غیر دولتی، تدوین راهنمای کاربردی در زمینه حقوق و روانشناسی کودک، تهیه و نهادینه‌سازی نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای ارتباطات، پیش‌بینی سیاست تشویقی و تنبیهی کارآمد، عنایت بیشتر به عملکرد مهد کودک‌ها و مدارس و سایر محیط‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان و جوانان، بازنگری در وظایف و کارکرد خانواده برای حمایت و حفاظت کودکان در عصر نوین فناوری و رسانه‌ها ضرورت دارد (۱۲).

در پایان این مبحث ابعادی از خانواده که بالقوه می‌تواند نسلی سالم و سازنده را پرورش دهد، فهرست‌وار ارائه می‌شود:

۱. وجود یک منبع قدرت و رهبری قانونی و مشروع در خانواده‌ها که مورد پذیرش و حمایت اعضای خانواده باشد؛ این مسئله را باید پدر و مادر با توجه به مسئولیت‌ها و اوقاتی که می‌توانند صرف کنند،

از میان افکار عمومی کشورهای جهان، مردم کشورهای غربی اصلی‌ترین موافقان همجنس‌بازی هستند.

است اما دلیل این گرایش عجیب به همجنس‌بازی چیست؟ مهم‌ترین دلیل اشاعه آن در جهان قبح‌زدایی از این عمل بوده برخی از تبعاتی که همجنس‌بازی به دنبال دارد: فروپاشی نظام خانواده، کاهش جمعیت، اشاعه فحشا و اشاعه شهوت‌سالاری است این تبعات می‌تواند منجر به فروپاشی یک تمدن شود در طول تاریخ سه تمدن سدوم، گومورا و پومی به همجنس‌بازی شناخته می‌شوند که همگی آن‌ها به دلیل رواج و شیوع این فعل قبیح و با وجود پیشرفت‌های اجتماعی و علمی، به اذن خداوند نابود شده‌اند اما در پایان باید گفت که آگاه‌سازی مردم ایران و کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای از چپستی و چرایی جریان همجنس‌بازی و نشان دادن چهره واقعی و کریه این جنبش که پروژه‌های صهیونیستی-غربی است برای ایجاد نظم نوین جهانی و نفوذ و کنترل افکار و تسخیر ملت‌هاست؛ مأموریت بسیار مهم فعالان دینی، فرهنگی و اجتماعی است.

نفوذ مسئله‌ی مهمی است برنامه‌ی نفوذ در کشور یک برنامه‌ی جدی استکبار است، برنامه‌ی جدی آمریکایی‌ها و صهیونیسم‌ها است؛ این نفوذ برای دو منظور است. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوم مردم هستند. هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ مسئول کشور همان تصمیمی را بگیرد که دشمن می‌خواهد. پس آماج اول مسئولین هستند. آماج دوم مردم هستند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی و وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی دشمن جایگزین شود. این باورها باید از ذهن مردم زدوده بشود، و عکس آن در ذهن مردم جا بگیرد.

ما از لحاظ فرهنگی باید کشور، ملت و جوانان را مصون‌سازی فرهنگی کنیم؛ این امر نیاز به برنامه‌ریزی دارد. با چند سخنرانی و نوشتن کتاب هم حاصل نمی‌شود؛ این مصون‌سازی فرهنگی کار لازم دارد، برنامه لازم دارد. راه درست این است که ما باید خودمان را از درون تقویت و استغنا پیدا کنیم. دنیا به کشوری که غنی باشد و قوی باشد احترام می‌گذارد؛ اگر کشور ایران اسلامی قوی باشد و غنی باشد، همان کسانی که امروز با ایران دشمنی می‌کنند، برای مذاکره خود پیشقدم خواهند شد؛ تجربه‌ی ۳۷ ساله‌ی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که ما باید خودمان را قوی کنیم؛ از لحاظ فکری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی قوی کنیم. وقتی قوی شدیم، طبعاً عزت پیدا خواهیم کرد؛ امروز عزت یک ملت در دنیا به این مسائل است.

راه غنی شدن و تقویت چیست؟ راه آن تربیت نسلی است با این خصوصیات؛ شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ چنین نسلی نیاز داریم. نسلی که ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرَ اللَّهُ جُمُحْمَتَكَ»؛ (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۱)؛ زندگی خودش و وجود

خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است. این نسل، نسل جوان ما است. سرمایه‌ی این حرکت، این نسل است و موتور محرکه‌ی این حرکت هم نخبگان جوانند. ما می‌خواهیم یک جامعه‌ای و کشوری در فضای علمی دنیا سر بلند کند که دنیا را از جهالت و ضلالتی که به آن دچار است نجات بدهد این اتفاق می‌تواند اتفاق بیفتد، اگر بتوانیم کشور را از لحاظ علمی، فرهنگی، اعتمادبه‌نفس، ابتکارات و تلاش، پیشرفته کنیم در این دنیای سرشار از جهالت و ضلالت، یک کشوری سر بر خواهد آورد که از لحاظ شاخص‌های مورد قبول دنیا - شاخص علم، شاخص پیشرفت فناوری، شاخص ثروت، شاخص مادّیات و شاخص‌های انسانی - در عین حال برخوردار از معنویت و شرافت و توجه به خدا و ایمان و اعتماد به خدا در سطح عالی قرار می‌گیرد. این اگرچنانچه به وجود بیاید، مهم‌ترین مؤثر و تأثیرگذارنده‌ی در جلب ایمان‌ها و دل‌های مردم خواهد بود؛ بشریت را می‌توان نجات داد، ما می‌خواهیم یک چنین حادثه‌ای اتفاق بیفتد. امروز دستگاه‌های شیطانی عالم، قدرتهای شیطانی عالم دارند مردم را روزبه‌روز در این مرداب جهالت و ضلالت بیشتر فرومی‌برند و با هر نقطه‌ای هم که با حرکت شیطانی آنها مخالف باشد مقابله می‌کنند وسعت ما، جمعیت ما، امکانات بشری ما، امکانات زیرزمینی ما جزو برجسته‌های دنیا است.

تقویت مطالعات کاربردی در حوزه‌های مختلف دینی و ضرورت زمینه‌سازی دولت به منظور ایجاد تفاهم میان جامعه علمی و کارشناسان نظام جهت پیشگیری از جرایم جنسی بیش از پیش نمایان می‌گردد.

۲. هدایت غریزه جنسی در مسیر صحیح؛ تربیت جنسی حلقه گم شده نظام تربیتی در جامعه ماست. موضوعی که نه تنها خانواده‌ها که حتی آموزش و پرورش، رسانه‌ها و سایر نهادهایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در تربیت کودکان نقش دارند.

۳. پیشنهاد دیگر برنامه غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان و نوجوانان می‌باشد. سازمان ملی جوانان، اعتباری را با توجه ویژه به سیاست‌های اوقات فراغت با رویکرد نشاط‌افزایی، تقویت هویت دینی و ملی، مهارت‌افزایی و استفاده حداکثری از امکانات موجود، در نظر گرفته و برنامه‌هایی را با محورهای ایجاد موج فراگیر ورزش در سراسر کشور، طرح انس جوانان با کتاب شامل المپیاد کتابخوانی و کتابخانه‌های سیار، اردوهای گردشگری، زیارتی و تفریحی، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیش‌بینی نموده است و مسلماً وجود چنین برنامه‌هایی، نوجوانان و جوانان را در فعالیتهای سالم مشغول خواهد نمود و مانع از پرداختن به افکار و رفتارهای منحرف و مجرمانه خواهد شد.

۴. نقش نهادهای حکومتی در تهیه مقدمات ازدواج در دو بخش فرهنگی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

این راهکار کلی که در عنوان «مصون‌سازی خانواده» قابل تعبیر است، در واقع به تعبیر دیگر مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع زدودن آسیب‌ها و چالش‌های تحکیم خانواده شکل گیرد.

and behavioral problems of students, identification and intervention, second edition, Tehran, Varai Danesh.

12. Moghdadi, Mohammad Mahdi; Javadpour, Maryam, Spring 2016, Prevention of sexual injuries of children in Islam, Ehlaq Bioethics magazine, 7th volume, 23rd issue.

رسانه‌های جمعی با شناخت آسیب‌های اجتماعی و گزارش آن به کنش‌گران اجتماعی، نسبت به گسترش ناپهنجاری‌های اجتماعی هشدار دهند. در صورت نبود برنامه‌های جذاب و فراگیر، احتمال سوق دادن مخاطبین به سمت سایر منابع یا دلزدگی و دل‌سردی از برنامه‌های موجود و رسانه تشدید می‌گردد.

## References

1. Coen, Bruce, 1379, Basics of Sociology, translated by Gholam Abbas Tusali and Reza Fazel, Nassersamt.
2. Kenia, Mehdi, 2014, Criminal Psychology, Tehran, Rushd Publishing.
3. Mehrpour, Hossein, 1386, Human rights in international documents and the issue of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Nash-e-Tazanat.
4. Graham, John, 2013, the effect of early psychological and social interventions in crime prevention, translated by Yasman Khajeh Noori. Judiciary Law Journal No. 48-49.
5. Niazpour, Amir Hossein, 1385, Measures of Iran's government agencies in the field of crime prevention, specialized journal of the University of Islamic Sciences.
6. Farjad, Mohammad Hossein, 1371, psychology and sociology of crime, second edition, Tehran, Hamrah Publishing House.
7. Danesh, Taj Zaman, 1376, Who is the culprit? What is criminology?, 7th edition, Tehran, Kayhan Institute Publishing.
8. Qaemi, Ali, 2018, Effects of family disorder on the growth and upbringing of children, collection of articles of the second national congress of elementary and teacher associations of the country.
9. Zamani, Ali Akbar, 2016, the role of the family institution in ensuring social security, Danesh Ganimet Quarterly, 9th year, 2nd issue, Tehran, University of Police Sciences.
10. Mansouri, Javad, 1386, Politics and Social Institutions, Tehran, Amir Kabir Publishing House.
11. Mohammad Khani, Shahram; Ebrahimzadeh, Nahid, 2013, psychological